



نشریه صریح

دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

نگار برگ های مجازی

اربعین

حبیب بن مظاهر

اعدام نکنید

قانون منع جذب مربی خارجی در فوتبال

بررسی شبهه اعتقادی . قصاص

شخصیت شناسی انقلاب

حضور بودنی یا غیرحضور بودنی مدارس

شهید همت

مهارت معلمی

معرفی کتاب



پاییز 99





صاحب امتیاز — بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

پردیس امام محمد باقر ع

مدیر مسئول — محمد الهامی

سرپرست — محمد مهدی کوه نشین

مدیر هنری — بهروز مهرپور

مسئول بخش صوتی — محمد ریحانی

هیئت تحریریه — محمد ریحانی

محمد الهامی

سید سجاد موسوی

سید حسین ساریان

مهرشاد گریوانی

مهدی رحیمی

الیاس رسولخانی

مهدی مارامائی

صدای مشکان — محمد ریحانی

الیاس رسولخانی

امیرحسین علی نیا

خراسان شمالی . بجنورد . شهرک گلستان

پردیس امام محمد باقر ع

نشانی



- اربعین شماره 1
- حبیب بن مظاهر شماره 2
- اعدام نکنید شماره 3
- قانون منع جذب مربی خارجی در فوتبال شماره 4
- بررسی شبهه اعتقادی . قصاص شماره 5
- شخصیت شناسی انقلاب شماره 6
- حضور بودن یا غیر حضوری بودن مدارس شماره 7
- شهید محمد ابراهیم هست شماره 8
- روابط کشورهای عربی با اسرائیل شماره 9
- مهارت معلمی شماره 10
- معرفی کتاب شماره 11



اهمیت اربعین در چیست؟ چرا شیعیان هر ساله در چهلمین روز شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) قصد عزیمت به سمت بین الحرمین می کنند؟ ویژگی خاص اربعین حسینی (ع) این است که یاد شهادت امام حسین (ع) را زنده نگه می دارد و اهمیت این موضوع بسیار است

تک برک مجازی

اگر سیدالشهدا (ع) شهید می شد و نسل های بعد نمی دانستند که او برای چه شهید شد و برای حفظ چه مفاهیم و آرمان هایی به قیام برخاست ایا نهضت حسینی این گونه که امروزه مرجع هدایت بشر است باقی می ماند؟

اربعین کلاس درسی است که معلمان ما باید در آن شاگردی کنند؛ اربعین کلاس درسی است که باید در آن درس شهادت از سیدالشهدا (ع) اموخت، درس ایثار از ابوالفضل (ع) اموخت، درس صبر از زینب (س) اموخت. و عجب معلم خوبی است این اربعین

اما وظیفه ما سنگربانان عرصه تربیت در قبال مفاهیم اربعین چیست؟ معلم باید به دانش آموزان خود درس اربعین بدهد. باید زینب گونه در حفظ آثار و مفاهیم اربعین مانند ظلم ستیزی، عدالت جویی و... تلاش کند و نگذارد که حجه ها و تبلیغات دشمنان اسلام مفهوم شهادت را از ذهن مردمان ما پاک کند



حبیب بن مظاهر

معرفی یاران امام حسین
حبیب بن مظاهر

کوفه را چه شده است که انگار در آتش هوای نفس میسوزد. انسان های لعینی که خود، امام را دعوت کرده اند چطور آنقدر ناجوانمردانه تیغ خصم را به طرف گردن ایشان گرفته اند. مگر انسان چقدر تاب و تحمل این زندگی نکبت بار را دارد که همان راهم، خود را شرمنده ی رسول اکرم کند و فقط بخاطر چندی زندگی بیشتر، اسارت ابدی دوزخ را نسیب خود کند.

من حبیب ابن مظاهر خسته ام از هرچه کوفه و کوفیست و خود را از این جا رها و به آغوش ابدی معشوق میرسانم که هوای اینجا بد دلگیر است

حبیب از فضلا و از علمای زمان خودش بود وی از حافظان قران و از یاران نزدیک سه امام بزرگوار امام علی (ع)، امام حسن و حسین (ع) بودند نقل است روزی پیامبر (ص) در حال حرکت کودکی را میبینند و با تمام وجود به این کودک مهربانی میکنند وقتی از پیامبر درباره ی این رفتار سوال میکنند ایشان میگویند این کودک هرگاه حسین از جایی عبور میکند خاک آنجا را به چشم میکشد و او کسی است گ همراه و همسفر حسین خواهد بود

امام حسین (ع) زمانی ک در کمین گاه کربلا به اسارت نفس دشمنان اسیر شدند و راه پس و پیش برایشان بسته شد نامه ای مخصوص برای حبیب ارسال کردند و او را به کربلا دعوت کردند، حبیب به ناگاه ملکوتی شد و از زندان دنیا به بهشت ملکوت پرواز کرد و نیشخند زد به کسانی که فروختند انسانیتشان را به چند روز اندک دنیا. و دوزخ ابدی را به جان خریدند

حبیب ابن مظاهر نفس اماره را ذلیل خواند و همراه مسلم ابن عوسجه بال بال زنان خود را از کمین دشمنان نجات دادند و همچون پرستو مهاجرت کردند به مکانی ک در وصف ... حال ما نیست گفتنش و سرانجام در آغوش معشوق جان به جان آفرین تسلیم کرد و به مراد دل خودش رسید.





#اعدام نکنید

ادر پس ابر های تاریک چه میگذرد؟
دستهای خیانتکار شمشیر به دست،
منتظرند که گردن ببرند، اما
خدا روشکر همیشه این خنجر گردن
خودشان را بریده و از این همه
کثافت کاری هایشان فقط یک لکه ی
سیاه برایشان باقی مانده است به نام
!!آشوبگر

به قول یوزف گوبلز، وزیر تبلیغات
هیتلر یک دروغ را آنقدر بزرگ
بگویند که مردم آن را باور کنند پس
پپردازیم به دروغ های اخیر که
آشوب را در رسانه های مثل تویتر
و... به پا کرده است

اعدام نکنید#

به گفته ی خود تویتر خیلی از آنها
ربات تویتر بودند و به گزارش یزد
رسا و برسی های آن، طبق نقشه
های جغرافیایی و موقعیت مکانی،
خیلی از توییت ها، آتش افروزی
های اسرائیل و امریکایی که همیشه
در فکر نابودی نظام اند راهم
نشان میدهد که حسابی پررنگ
... است

در این زمینه قشر خاکستری هم
تحت تاثیر قرار میگیرند و میکوشند
... تا از معرکه عقب نمانند
ماجرا از چه قرار است؟

تک برک مجازی

چندی پیش 3 جوان سارق به گفته ی قاضی! قانون منع ورود بازیکنان و مربیان خارجی
صلواتی به جرم مشارکت در تخریب و آیا پاک کردن صورت مسئله کار درستی است؟
تخریق به قصد مقابله با نظام به اعدام بعد از داستان پیچیده ی مارک ویلموتس
محکوم شدند، به گزارش شبکه اطلاع رسانی سرمربی سابق تیم ملی و بدهی شش میلیون
دانا 29 بهمن ماه بود که سخنگوی قوه یورپی فدراسیون فوتبال به او، مسئولان
قضائیه در نشست خبری با اصحاب رسانه امر تصمیم گرفتند که ورود مربی و بازیکن
از دستگیری اعضای باند تبهکاری تحت های خارجی به فوتبال ایران را ممنوع کنند تا
: عنوان امیر آلمانی خبر داد و گفت به خیال خود، با این کار بدهی های خارجی
فوتبال ایران، کم شود

این تصمیم، مطمئنا به نفع مربیان و
بازیکنان ایرانی خواهد بود. اگر خبری از ورود
بازیکن و مربیان خارجی نباشد هر سال
فرصت بیشتری برای فعالیت مربیان و
بازیکنان ایرانی در لیگ برتر وجود خواهد
داشت.

یکی از پرونده های رسیدگی شده در تهران که
اصطلاحا از زبان خودشان مشهور به
پرونده امیر آلمانی است، این گروه، باند
تبهکاری بودند که هم سابقه اعمال
مجرمانه داشتند و هم درهمین مقطع
مرتکب سرقت مسلحانه شده بودند
در این جا نباید از نقش سلبریتی ها غافل
باشیم که حسابی نقش پررنگی دارند وظیفه
آنها آگاهی درست و دقیق از اتفاقات
روزاست. اما این که چه قدر دقیق اند را
باید از خودشان پرسید. آنها نباید فراموش
کنند که نقشی مستقیم روی قشر خاکستری
دارند.

قانون منع
جذب مربی
بازیکن خارجی

سرپر

البته ابعاد منفی این قضیه هم نباید از
ذهن دور باشد برای مثال با توجه به این
موضوع که تیم هایی ک در رقابت های
لیگ قهرمانان آسیا حضور پیدا میکنند
نمایندگان کشور ایران بوده و باید از
حیثیت فوتبال ایران دفاع کند و برای
بدست آوردن کسب افتخار و اعتبار تلاش
کند تصویب این قانون، باعث خواهد شد
که تیم ها نتوانند مانند رقبا به تقویت
تیم خود پردازند و ممکن است با مشکل
مواجه شوند و ضربه بخورند. دومین نکته
منفی در این رابطه این است که این قانون
موجب میشود قیمت بازیکنان و مربیان
ایرانی نه چندان حرفه ای بسیار بالا برود
با توجه به پیگیری های صورت گرفته
احتمالا در صورت شکایت باشگاه ها،
فیفا این قانون را لغو و فدراسیون را
موظف میکند محدودیتی برای جذب
بازیکن و مربی خارجی ایجاد نکند
حال باید منتظر تصمیمات آتی باشیم



درفضای حاکمیت رسانه ها در تمدن امروز، ابرجنايتکاران عالم ازقوانين اسلام عليه خود اسلام سوء استفاده میکنند وازاین طریق ، ذهن وجان مردم را به سخره میگیرند مثلا آنجایی که اسلام میگوید قاتل باید قصاص شود هیاهو میکنند که اسلام پراست ازخشونت وآنجایی که اسلام میگوید نباید قصاص کرد برای مقتول وخانواده اش گریبان چاک میکنند که کجا رفت حق مظلوم! کجا رفت عدالت! عدالت اسلام این است؟؟!!! وازاین قبیل سخنان ...

حالا ما به عنوان انسانی آزاداندیش میخواهیم بنشینیم وبینیم ایدئولوژی اسلام برای قانون قصاص چیست؟ برآستی چرا زمانی قصاص آری و زمانی نه؟



ابتدا باید دو مقدمه کوتاه را : بررسی کنیم :

تک برک مجازی



اول اینکه برای بررسی قوانین باید ابتدا هدف قانون گذار را بدانیم ، یعنی برای ارزیابی اینکه فلان قانون خوب است یا بد ، باید آن را با هدف قانون گذار بسنجیم

خب هدف اسلام چیست؟ اسلام میخواهد انسان ها را به کجا برساند؟ دریک کلمه هدف اسلام خدا یابی است یعنی میخواهد انسان ها درک و فهمشان وسعت یابد تا اینکه بتواند حس حضور نامحدود را درک کنند و با او انس بگیرند حالا باید براساس این هدف قوانین اسلام را سنجید

دوم اینکه برای بررسی قوانین باید نگاه سیستمی داشت یعنی اینکه نباید تک تک قوانین را جدا بررسی کرد بلکه باید در نگاه کلان مجموعه قوانین را باهم سنجید و بررسی کرد که آیا این مجموعه درنهایت به هدف تعیین شده میرسد یا نه

اسلام هم مجموعه ای از قوانین است که همه این ها درکنارهم وباهم کار میکنند ونمیتوان . آن ها را تنها بررسی کرد

برای بررسی صحت یا نادرستی قصاص و حدود، باید کلان سیستم ارتباطات اجتماعی افراد و حیات اجتماعی انسان ها را بررسی کرد و بینیم اسلام در مجموع برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی چه راهکاری پیشنهاد میدهد؟ آیا فقط ازقصاص کمک میگیرد؟

حال بعد از دو مقدمه به سراغ پاسخ اصلی میرویم

اگر طبق هدف اسلام قراراست هر لحظه در زندگی انسان ها خدا افزایی صورت بگیرد و آن به درک انسان ها از ذات بی نهایت بیشتر شود، آیا میتوان برای زندگی اجتماعی انسان ها که بخش عمده ای از حیات هر انسانی را تشکیل میدهد ، برنامه نداشت؟ آیا میشود در جامعه ای که فاسد است وجودمان را بارور کنیم؟ مسلمانان! پس اسلام اگر میخواهد انسان را به غایت انس با نامحدود برساند، لاجرم باید برای جامعه پاک و طاهر برنامه داشته باشد و برای همگان توضیح دهد، چگونه میخواهد راه های به انحراف کشیدن جامعه را ببندد نظر شما برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی باید چه کرد؟ چه راه هایی وجود دارد؟

اول اینکه زمینه های فساد از جامعه کنده شود مثلا برای جلوگیری ازمفسده ارتباطات حرام باید زمینه ازدواج آسان فراهم شود

دوم اینکه مفاسد فردی و اجتماعی و مضرات دنیوی و اخروی از سنین نوجوانی که فرد هنوز ..به عرصه اجتماع وارد نشده آموزش داده شود

سوم اینکه فرهنگ تقوا و معنویت را در جامعه افزایش داد تا مانع درونی برای عدم ایجاد فساد در افراد ایجاد شود تا اگر در جامعه ای موانع فساد وجود داشتند و آموزش صحیح هم داده نشده بود بازهم عاملی درونی مانع خرابکاری افراد شود

بااین 3 فعالیت مستمر حدود 90درصد راه درمان جامعه طی میشود اما مسلما این 3 به تنهایی کافی نیستند چون همیشه در هرجامعه ای انسان هایی هستند که به دنبال فسادند و برای این افراد چاره ای جز اعمال خشونت نیست این اعمال خشونت در ظاهر خشونت است اما در باطن عین رحمت و مهربانی است، چراکه با قصاص وحد زدن یک نفر سلامت و امنیت یک جامعه تامین میشود دقیقا مانند طبعی که در اول هر مرضی عضو بدن را قطع نمیکند بلکه سعی میکند از طرق مختلف آن را درمان کند اما بعضی از مرض های جسمانی هستند که اگر آن عضو درگیر را قطع نکند به بقیه اعضا سرایت میکند در نتیجه طیب با دلسوزی تمام آن عضو را قطع میکند.

نتیجه اینکه اسلام برای اصلاح حیات جامعه ؛ فقط از قصاص استفاده نمیکند بلکه اصلا قانون قصاص برای مواردی است که چاره دیگری وجودندارد

راه اصلاح جامعه تنها قصاص افراد مجرم نیست بلکه ابتدا باید با اقدامات دیگری از ایجاد فساد جلوگیری کرد اما اگر با همه این ها بازهم افرادی پیداشدند که دست به فساد زدند برای حفظ حیات جمعی انسان ها و منتشر نشدن فساد به تمام اعضای جامعه ؛اسلام جواز قصاص مجرم را میدهد به عبارتی قصاص درظاهر خشونت است اماودریاطن حیات آرامش بخش انسان ها را فراهم میکند

موسوی خوئینی‌ها در اواخر دهه 70، در روزنامه سلام، اقدام به انتشار مطالب کذب و تحریک آمیزی برای تشویش اذهان عمومی کرد به طوری که ساختار شکنی، پمپاژ روحیه ناامیدی، توهین به مقدسات، افراطی‌گری و... جزو موضوعات اصلی تیتر هایشان بود.

بعد از انتشار آن مطالب از روزنامه سلام، کار به جایی رسید که که مجلس سعی در تعطیل کردن روزنامه سلام داشت که با مخالفت و اعتراض خیابانی دانشجویان همراه شد، تا حدی که این دانشجویان دست به گروگان گرفتن یک مامور نیروی انتظامی زدند که این کار باعث تحریک بیشتر نیروهای انتظامی شد که در همان حین برخی‌ها با کشته‌سازی و انتشار تصاویر جعلی و... سعی در دامن زدن به ماجرا را داشتند که نهایتاً پس از چند روز آشوب، مقام معظم رهبری با سخنرانی و دلجویی از دانشجویان در 23 تیر ماه 78، به این فتنه پایان دادند.

حضور اشخاصی مثل مصطفی تاج زاده و موسوی لاری در ماجرای کوی دانشگاه در کنار دانشجویان معترض، نکته‌ای قابل تأمل در شکل‌گیری این فتنه بود.

خوئینی‌ها در یکی از کلاس‌های دانشگاهش اعلام کرده بود که اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد و این امر را امری غیرعقلانی می‌داند و پذیرش این قاعده در سال 58 از حضرت امام را تعبداً و به دلیل ابهت امام عنوان کرده است و این خود دلیلی متقن برای عدم ثبات شخصیت او می‌تواند باشد.

محمد موسوی خوئینی‌ها فردیست سرشار از تناقضات؛

او یکبار نزد نامزد های اصلاح طلب انتخابات مجلس، توصیه به تغییر قانون اساسی میکند و یکبار از اهمیت حفظ نظام و ارجحیت آن نسبت به واجبات و محرمات دین می‌گوید یکبار نزد دانشجویان خط امام، سخن از عدم ارتباط با آمریکا می‌کند و این کار را مساوی عدول از مبانی انقلاب میداند، یک بار هم در دهه شصت رابطه با آمریکا را امری منطقی و تحلیل می‌داند.

درواقع مواضع یک انسان است که شخصیت او را نشان میدهد، و حال با دانستن این مطالب ضد و نقیض علیه او، شاید بتوان نامه اخیر وی به مقام معظم رهبری را با نگاهی بهتر تحلیل کرد.

در پایان خوب است برای تبیین بهتر شخصیت وی، به جمله‌ای که بهمن 87، قبل از انتخابات گفته است اشاره کنیم: «ما باید بیاییم و توان بگذاریم تا به هر قیمتی رهبری را از تحت پایین بکشیم. او باید بفهمد که این مملکت آن طور نیست که ایشان هرچور بخواهد به هر سمت بکشد. خاتمی و یارانش اکنون کلی تجربه دارند».



انقلاب اسلامی



انقلاب اسلامی

آیا برگزاری حضوری کلاس‌های درس در مدارس، کار درستی است؟

بیشترین ضربه‌ای که شیوع ویروس کرونا به کشور ما زد، ضربه بر پیکره آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت دانش آموزان بود.

مدارس دایر شوند یا نه؟

اگر مدارس دایر شوند و تمام نکات بهداشتی و دستورات مربوطه اجرا شود، بسیاری از مشکلات و ضعف تعلیمی به وجود آمده از بابت کرونا برطرف میشود.

اما به دلیل ضعف ساختاری آموزش و پرورش و عدم توجه و برنامه ریزی در طی سالیان برای حل این مشکل به نظر نمی‌رسد بتوان نکات بهداشتی را رعایت کرد. درکلاسی که قریب به پنجاه دانش آموز وجود دارد،

آیا رعایت نکات بهداشتی ممکن است؟ سلامتی و تندرستی افراد بر علم و تعلیم برتری دارد.

تنها راهی که هم ضامن تندرستی و سلامت و علم پرورش دانش آموزان میشود، آموزش مجازی با کیفیت عالیست در غیاب صورت برگزاری کلاس‌های حضوری به صلاح نیست.



چندی پیش در خبر ها خواندم که برخی کشور های عربی مانند امارات ، به طور علنی با رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) متحد شدند که البته این ماجرا خیلی هم دور از انتظار نبود، چرا که بر اکثریت ساکنان منطقه پر آشوب خاورمیانه، معاملات پشت پرده آل سعود و شیوخ امارات با رژیم صهیونیستی پوشیده نبود و حتی بر طبق عقیده ی بسیاری از صاحب نظران و تحلیلگران رویداد های منطقه ، این امر برای شناساندن چهره ی به ظاهر زیبای تزویر و در باطن ، متعفن آن که در خط مقدم آن خاندان آل سعود بودند برای متحد کردن محور های مقاومت در منطقه بسیار عالی هم بود



تک برک مجازی

و اما در ادامه، اگر در تاریخ خونین جنگ های معاصر در خاورمیانه جست و جوی کنیم، در سال 1967 میلادی، به جنگی میرسیم که به جنگ شش روزه معروف است که در جریان آن، کشور های مصر، اردن، لبنان، سوریه و عراق در مقابل رژیم صهیونیستی صف آرایی کردند که نتیجه آن البته با مساعدت های فراوان آمریکا و عدم اتحاد قوی کشور های عربی با پیروزی اسرائیل به پایان رسید که پس از آن شعار نیل تا فرات را برای توسعه قلمرو خود سر داد اما فقط تا سال 2006 فقط موفق به اشغال خاک فلسطین و لبنان شد که در همان سال 2006، لبنان در جریان جنگ 33 روزه و نوار غزه در پی عملیات های استشهادی فراوان به آزادی رسیدند و همانطور که مشاهده میشود، امروزه اسرائیلی که شعار نیل تا فرات را سر میداد خود را درون دیوار های بتی شهرهایش محصور کرده است.

حال اگر نگاه کوچکی به نقشه جغرافیای خاورمیانه کنیم مشاهده می شود که این رژیم را دور تا دور کشور های عربی احاطه کرده اند ... از همین طریق میتوان به خوبی دریافت که هدف از عادی سازی روابط با چند کشور عربی از جمله امارات و البته با میانجی گری و کمک امر الفتنه، عربستان سعودی و در راس تمام فساد ها و به خاک و خون کشیدن منطقه، محمد بن سلمان ولیعهد شاه سعودی که فریاد شیاطین جهانخوار یهودی را از حنجره شان سر می دهند، هدفشان متحد کردن بقیه کشور های عربی با اسرائیل است تا اهرم فشار قوی تری برای شکست محور های مقاومت مخصوصا در سوریه و عراق پیدا کنند تا به هدف اصلی خود یعنی جنگ با جمهوری اسلامی دست یابند

مادر، جهل حاکم بر یک جامعه انسانها را» به تباهی می کشد و حکومت های طاغوت مکمل های این جهل اند و شاید قرن ها طول بکشد که انسانی از سلاله پاکان زائیده شود و بتواند رهبری یک جامعه سر در گم و سر در لاک خود فرو برده را در دست گیرد و امام تبلور ادامه دهندگان راه امامت و شهادت و شهادت است.

مادر جان، به خاطر داری که من برای یک اطلاعاتیه امام حاضر بودم بمیرم؟ کلام او الهام بخش روح پرفتوح اسلام در سینه و وجود گنبدیده من بوده و هست. اگر من افتخار شهادت داشتم از امام بخواهید برایم دعا کنند تا شاید خدا من روسیاه را در درگاه با عظمتش به عنوان یک شهید بپذیرد؛ مادر جان من متنفر بودم و هستم از انسانهای سازش کار و بی تفاوت و متاسفانه جوانانی که شناخت کافی از اسلام ندارند و نمی دانند برای چه زندگی می کنند و چه هدفی دارند و اصلا چه می گویند بسیارند. ای کاش «به خود می آمدند»

این سخنان بخشی از وصیت نامه شهید معلم محمد ابراهیم همت، فرمانده لشکر 27 محمد رسول الله، به مادر صبور خود که متاسفانه چندی پیش غریبانه دارفانی را وداع گفتند می باشد و تلنگری بر ذهن من نوعی زده شده که تو برای این انقلاب چه کرده ای و توانسته ای ذره ای از دین و رسالتی که امثال همت ها بر دوش تو گذاشته اند را ادا کنی؟

شهید
محمد ابراهیم همت

شهید همتی که وقتی امامش نهیب جنگ سر داد، کلاس درسش را ترک کرد و رسالت خود را در میدان جنگ دید اما معلمی که امروزه رهبر انقلاب میدان جنگ و رسالتش را کلاس درس او میداند چه می کند؟ خدایا توفیق بده تا بتوانیم بار معلمی را به نحو احسن به دوش بکشیم



یکی از مسائل مهم و اساسی در زمینه ی معلمی، درک صحیح معلم از دانش آموزان خویش است. یک معلم ممکن است با درک صحیح، یک دانش آموز را به اوج برساند و با درک غلط، دانش آموزی را تباه سازد.

داستان تصور غلط

وقتی کلاس دوم دبستان بودم در حیاط مدرسه با کلاس پنجمی ها هندبال بازی می کردم معلم ورزش، دید که هند بال من خوب است به سمت آمد سپس گفت: می خوام اسم تو رو هم برای مسابقات بین مدارس بنویسم.

بعدش به من گفت: اسم کوچیکت چیه؟ من هنگ کرده بودم و در عین حال هم به شدت خوشحال بودم که قرار

است در تیم منتخب مدرسه باشم بنابر این گفتم: ببخشید ولی من اسم کوچیک ندارم و از همون بچگی نرگس صدایم میکردند.



هیچ وقت نگاه تند معلممان در آن لحظه را که الان میدانم که حس کرده اورا دست انداخته ام یادم نمی رود.

من آن زمان واقعا فکر میکردم منظور از اسم کوچک این است که مثلا بچه بودی سمت یک چیزی بوده و بعد که

بزرگ شوی اسم دیگری برایت بگذارند

تصور می که باعث شد معلممان اسم مرا به تیم منتخب اضافه نکند و بگوید: برگرد تو حیاط تا

یادگیری چطور با

بزرگترت صحبت کنی

گاهی عدم درک صحیح دانش آموزان ممکن است. مسیر زندگی دانش آموز را به راهی

، نادرست بکشاند

پس معلم موظف است درک صحیحی از دانش آموز خود به دست آورده و به این نکته توجه ویژه ای داشته باشد.

دختر شینا» روایت خاطرات قدم خیر» محمدی کنعان، همسر سردار شهید ستار ابراهیمی از شهدای برجسته استان همدان است که در عملیات والفجر 8 به شهادت رسید. قدم خیر محمدی کنعان (1341)، راوی کتاب، در 14 سالگی با ستار (صمد) ابراهیمی هژیر ازدواج می کند و صاحب پنج فرزند می شوند. در بیست و چهار سالگی شوهرش را در جنگ از دست می دهد و از آن زمان و با وجود 5 فرزند، ازدواج نکرد و به تنهایی فرزندانش را بزرگ کرد.

بهناز ضربانی زاده که نگارش این اثر را برعهده داشته، درباره شخصیت راوی کتاب می نویسد: این موضوع برای من بسیار تأمل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می کرد به فضای شهر آمده و به تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمش بزرگ کردن فرزندانش شده بود بنابراین تصمیم گرفتم درباره فراز و نشیب های زندگی این زن با او مصاحبه کنم.



بخشی از کتاب:
داشتم از پله های بلند و بسیاری که از ایوان آغاز می شد و به حیاط ختم می شد، پایین می آمدم که یک دفعه پسر جوانی روبه رویم ظاهر شد، جا خوردم، زبانم بند آمد. برای چند لحظه کوتاه نگاهمان به هم گره خورد. پسر سرش را پایین انداخت و سلام داد. صدای قلبم را می شنیدم که داشت از سینه ام خارج می زد. آن قدر هول شده بودم که نتوانستم جواب سلامش را بدهم. بدون سلام و خداحافظی دویدم توی حیاط و از آن جا هم یک نفس تا حیاط خانه خودمان دویدم. زن برادرم، خدیجه، داشت از چاه آب می کشید. من را که دید، دلو آب از دستش رها شد و به ته چاه افتاد. ترسیده بودم، گفت: قدم چه شده؟ چرا رنگت پریده؟ کمی ایستادم تا نفسم آرام شد. با او بسیار راحت و خودمانی بودم. او از همه زن برادرهایم به من نزدیک تر بود، ماجرا را برایش تعریف کردم. خندید و گفت: فکر کردم عقرب تو را زده پسر ندیده